

Cyberspace criminology with emphasis on delinquent criminological theories.

Elham Hoseinkhani^۱

1- Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch

Abstract.

One of the manifestations of the new civilization is information and communication technology. This technology has undergone extensive changes in the human social arena. The world is becoming an information society and like any other emerging technology, this technology has also caused social harms. One of the dangers of information and communication technology is focused. To cyberspace. The dangers of cyberspace are such that its legal analysis must be accompanied by a criminological investigation; Therefore, this study was presented with the aim of investigating the role of cyberspace in social deviations from the criminological point of view, and to achieve this goal, criminologists' theories, strategies and measures to prevent injuries arising from this space are analyzed. Descriptive and using library studies.

Keywords : Social harm, cyberspace, social deviations, criminology.

جرم‌شناسی فضای مجازی با تأکید بر نظریه‌های جرم شناسانه‌ی بزهکار محور

الهام حسینخانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

چکیده

یکی از مظاهر تمدن جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری تحولات گسترده‌ای در عرصه اجتماعی بشر داشته است. جهان در حال تبدیل شدن به یک جامعه اطلاعاتی است و مانند هر فناوری نوظهور دیگری، این فناوری نیز آسیب‌های اجتماعی را نیز در پی داشته است. یکی از مخاطرات فناوری اطلاعات و ارتباطات معطوف به فضای مجازی است. مخاطرات فضای مجازی به گونه‌ای است که باید تحلیل حقوقی آن توأم با بررسی جرم‌شناسانه باشد؛ لذا این پژوهش با هدف بررسی نقش فضای مجازی در انحرافات اجتماعی از نظر جرم‌شناسی، ارائه گردیده و برای نیل به این هدف به تحلیل نظریات جرم‌شناسان، راهکارها و تدابیری برای پیشگیری از صدمات برخاسته از این فضا پرداخته می‌شود، روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: آسیب اجتماعی، فضای مجازی، انحرافات اجتماعی، جرم‌شناسی.



^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، ایران.
Elham Hoseinkhani@gmail.com

مقدمه

از اواخر دهه پایانی قرن بیستم، تحولات شگرف و عظیم فناوری اطلاعات همراه با پیامدها و اثرات مثبت و منفی، زندگی انسان را تا به امروز تحت تأثیر قرار داده است. این انقلاب عظیم اطلاعاتی، شکل‌گذار نظام ارتباطات سنتی را به نظام ارتباطی همگانی الکترونیکی تبدیل کرده است؛ که باعث شده بنیان مادی و معنوی جامعه متحول شود و در عصر حاضر هیچ گونه انزوایی و کناره‌گیری را برنناخته و حتی سنتی‌ترین و محروم‌ترین جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به این امر، انقلاب انفورماتیک و رایانه‌ای فرهنگ جوامع را در حوزه مادی و غیر مادی دستخوش اثرگذاری عمیقی کرده است و ارتباطات سنتی و شفاهی را به ارتباطات مجازی در زندگی امروز تبدیل نموده است.

شکل‌گیری این تحول عظیم باعث شده که در امر ارتباطات و کوچک شدن جهان، زندگی انسان دچار تحول شود، در این روند، شبکه جهانی اطلاع‌رسانی، سهم بسزایی دارد. این تحول، فرض‌ها چالش‌ها بیم‌ها و امیدها را به موازات هم در برابر جلوه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی با همه تنوع در خود جای داده است. در حوزه فناوری اطلاعات و انقلاب اطلاع‌رسانی، وجود بافتی اینترنتی که جلوه‌های گذشته، حال و آینده را با یکدیگر پیوند دهد و محیط نمادینی ایجاد کند که در آن دنیای مجازی به واقعیت محیط زندگی ما بدل شود، به وسیله این فناوری شکل گرفته است. بر این اساس، گسترش استفاده از اینترنت با تمامی جنبه‌های زندگی از جمله: مدرسه، محل کار، خدمات بانکی، تجارت، پرداخت مالیات و حتی رأی‌گیری تلفیق شده است. مهم‌ترین تغییراتی که این فناوری به وجود آورده است، به وسیله مارشال مک لوهان در یک عبارت خلاصه شده است و آن «تبدیل شدن جهان به یک دهکده» است.

در این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های جرم‌شناسی درباره تأثیر فضای مجازی بر انحرافات اجتماعی پرداخته می‌شود. دیدگاه‌های جرم‌شناسانه فضای مجازی، به دو کنشگر اصلی این فضا، یعنی بزهکاران و بزه‌دیدگان تفکیک شده است؛ و سعی شده تا با تبیین جایگاه ایشان بر

مبنای نظریه‌های جرم شناسانه، تحلیل و تبیین درستی از چگونگی پیدایش آنها ارائه شود. در رابطه با بزه‌دیدگان مجازی نیز از اندیشه‌های حقوقدانان خارجی که بیشتر مبتنی بر نظریه سبک فعالیت های روزمره است بهره گرفته شده و اساس مباحث این فصل نیز بر این مهم استوار گردیده؛ همچنین مهم ترین علل بزه دیدگی و نیز نقش بزه دیده در بزه دیدگی خویش و همچنین راه های پیشگیری از بزه دیدگی مجازی مورد بحث قرار گرفته است.

نظریه های جرم شناسانه بزهکار محور

در ترسیم و تحلیل اندیشه‌های محرمانه فضای مجازی، شناخت بزهکاری این فضا اهمیت بسیاری دارد و این مهم در نیل به شناخت جرایم فضای مجازی از جایگاه ویژه ای برخوردار است شناخت بزهکاری فضای مجازی و گونه های مختلف آنها، آگاهی از عقل ارتکاب جرم از سوی بزهکاری فضای مجازی، انگیزه گرایش آنان به ارتکاب بیشتر انواع خاصی از جرایم مجازی، ضرورت های انکار ناشدنی در فضای جازی هستند که می بایست در بررسی جرم شناسانه فضای مجازی توجه نمود. در این فصل بزهکاران فضای مجازی به عنوان یکی از کنشگران مهم و تاثیر گذار فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته اند. در رابطه با مجرمین فضای مجازی دیدگاه های متفاوت و گاهاً متعارضی از سوی حقوقدانان کیفری ارائه شده است که از در جای خود محل تردید و تامل هستند. مجموعه این دیدگاه ها را می توان در هفت دسته طبقه بندی نمود که در ذیل بدان ها اشاره می شود.

بی کفایتی اجتماعی، هوشمندی ذهنی مجرمین مجازی

کار با رایانه های نخستین مستلزم دانش بالای ریاضی بود پشت این رایانه ها هرگز کاربرانی به مفهوم امروزیین قرار نمی گرفتند و تنها کسانی می توانستند از آنها استفاده کنند که برنامه نویس ماهری بودند. در آن زمان به سختی می شد راجع به فعالان این حوزه مطلبی در صفحات اجتماعی روزنامه ها پیدا کرد هنگامی که این افراد پس از آن فعالیت بسیار خسته کننده شب به هنگام به دنیای خارج یا می گذاشتند، هیچ حرفی برای گفتن به افراد جامعه

نداشتند. تمام زندگی آنها در میان انبوده لامپ‌های خلاء و نسخه‌های چاپی صفر و یک سپری می‌شد. یعنی چیزهایی که هیچ‌کس نه می‌توانست و نه می‌خواستن به آنها توجه کند.

اکنون سیستم‌های رایانه‌ای تقریباً در همه جا یافت می‌شوند. مهارت‌های مورد نیاز جهت بهره‌برداری‌های ناشایست از این سیستم‌ها به مراتب نسبت به گذشته از پیچیدگی بسیار کمتری برخوردار شده است. البته اکنون از آن‌گونه متخصصان اولیه نیز یافت می‌شود اما بسیاری از مجرمان مجازی امروزمین به ویژه حقه‌بازان رایانه‌ای و آنهایی که ارضای تمایلات جنسی خود را در این فضا جستجو می‌کنند انسان‌هایی مودب و جذاب هستند و مهارت‌های اجتماعی رابه‌خوبی فراگرفته‌اند.

برخوردارای مجرمین مجازی از بهره‌هوشی و دانش فنی بسیار بالا

امروزه دسترسی به فضای آنلاین به آسانی یک کلیک کردن شده است یا اینکه بعضی جرایم مجازی، نظیر نگارس و نشر و ویروس‌های جدید یا تهاجم به شبکه‌های فوق‌امنیتی همچنان مستلزم دانش فنی بالایی است. اما طیف وسیعی از جرایم مجازی هستند که اشخاص عادی که بهره‌هوشی متوسط دارند و دانش فنی شان ناچیز است و یا حتی از آن برخوردار نیستند نیز می‌توانند آنها را مرتکب شوند.

حقه‌بازی‌های مجازی را هرکسی که قادر به ارسال پست الکترونیک باشد یا بتواند از برنامه‌های گپ اینترنتی استفاده کند، مرتکب شود. سرقت داده نیز غالباً به سادگی یک کپی کردن است.

مجرمین مجازی مردان و معمولاً جوانان کمتر از ۲۰ سال

این نگرش نیز از آنجا ناشی می‌شود که دانش ریاضی به طور عام و فناوری رایانه به طور خاص از همان ابتدا در انحصار مردان بوده است. البته این موضوع از این جهت نیز قابل تأمل است که از آنجا جرایم رایانه‌ای در ابتدا در زمره جرایم یقه سفید قرار گرفته بود و مرتکبین

این جرایم را عمدتاً مردان تشکیل داده بودند، این نگرش به وجود آمده است. هرچند باید خاطر نشان کرد که این حوزه نیز متحول شده است. هم اکنون زنان بسیاری در مناصب مدیریتی و اجرایی قرار گرفته اند که مستعد ارتکاب جرایم یقه سفید هستند و آمارها نیز حاکی از رشد ارتکاب این جرایم نزد آنان است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵).

مجرمین مجازی ، مجرمین غیر واقعی

فناوری های نظیر گپ آنلاین، سیاهچال های چند کاره و برنامه های واقعیت مجازی باعث نشده اند برخی کاربران توانایی تفکیک دنیای واقعی از مجازی را از دست بدهند. بسیاری از کاربران اینترنت، به ویژه آنهایی که به تازگی به فضای آنلاین ملحق شده اند، تصور می کنند اشخاص مقابل آنها در آن سوی مودم در حکم یک برنامه رایانه ی هستند و حتی با آنها به مثابه یک بازی رایانه ای تعامل برقرار می کنند.

این افراد هویتی که در دنیای واقعی از خود بروز می دهند رادر تمایلات آنلاین به کار نمی گیرند زیرا تصور می کنند در آن سوی خط ارتباطی شبکه مجازی کسی آنها را نمی شناسد . از این رو به خود اجازه می دهند هرگونه حقه و نیرنگی رادر این تمایلات به کار برند . همچنین ، از آنجا که این افراد می توانند در فضای آنلاین برای خود هویت دیگری تعریف کنند و حتی برخلاف دنیای فیزیکی به سرعت آن را تغییر دهند و هویت های دیگری با ویژگی های کاملاً متقلبانانه را برای خود برگزینند، این بستر بیشتر برای آنها فراهم می شود که به اقدامات متقلبانانه آنلاین خود را با خیال آسوده تر ادامه دهند. به این ترتیب این ایده که هیچ در فضای آنلاین واقعیت ندارد، می تواند مروج یک واقعیت تلخ دیگر نیز باشد که هیچ کس در برابر اقدامات خود مسئول نیست . البته خود بستر فضای مجازی به مجرمین جرات مضاعفی را اعطا کرده است. زیرا آنها برخلاف دنیای فیزیکی ، بی آنکه نتایج شرم آور و اسف بار جرایم خود را مشاهده کنند یا صدای فغان قربانیان خود را گوش کنند. با خیال راحت ارتکاب جرایم می پردازند و به واقع می توان گفت تنها چیزی که مشاهده می کنند یک سری اعداد و ارقام و عبارات است که بر روی صفحه نمایشگرشان ظاهر شده است.

عدم استعمال خشونت توسط مجرمین مجازی

با قبول این واقعیت که بخش عمده‌ای از جرایم فضای مجازی گزارش شده، کلاهبرداری، سرقت، و دسترسی غیرمجاز هستند. اما نباید از یاد برد که گزارشات مکرری نیز در خصوص هرزه‌نگاری کودکان به ثبت رسیده که به طور کلی در زمره جرایم خش یا بالقوه خشنی قرار می‌گیرد. تعرضات هکرها نیز جرایم خشونت باری هستند که گزارش‌های بسیاری از خسارات آنها شده است. همچنین تعقیب ابتدایی در فضای مجازی نیز یکی دیگر از مصادیق بارز خشونت در فضای مجازی است. یا تروریسم مجازی یکی از نمادهای بارز خشونت مجازی است که به طور جدی فضای مجازی و وابستگان به آن را مورد تهدید قرار می‌دهد.

نظریه‌های تبیین‌کننده بزهکاری مجازی

درخصوص کاستی‌های فضای مجازی که منجر به شکل‌گیری بزه دیدگی مجازی می‌شود، مطلب خاصی عنوان نشده است. در اینجا به بررسی چند نظریه در این باره پرداخته می‌شود.

دیدگاه روان‌پویایی در جرایم مجازی

نظریه‌های روان‌پویایی جرائم، بر پایه یادگارهای نظریه سزار لومبروزو، زیست‌شناس معروف، از جرم مطرح شده اند که «الگوی عامل از پیش تعیین شده» راجع به مجرم را در ذهن تداعی و فعل مجرمانه را پیامد عوامل داخلی جسم انسان تفسیر می‌کنند که «سرنوشت جنایی» انسان را به وجود می‌آورند.

این محققان «ذهن جنایی» رابه عنوان نیروی پشتیبان جرم بیان کرده اند که مستقل از محیط اجتماع عمل می‌کند. (Roger Hopkins, 2006:77).

نسل جدید هکرها و نظریه روانکاوی فروید

نظریه روانکاوی که توسط زیگموند فروید مطرح شد، بر تجربه فرضی شخصیت انسان به نیروهای ناخودآگاه و خود آگاه استوار است (Larry J. Seigel, 2000:163) فروید پیشنهاد

داده که رفتار انسان تحت حاکمیت سه نیرو قرار داد: نهاد، خود و ابر خود. نهاد بیانگر نیروی ناخودآگاه و غیر عمدی است که شامل نیازهای زیستی بدیهی انسان، نظیر تشنگی، گرسنگی، احساسات جنسی و غیره می شود. او تعارض میان نهاد و ابر خود را مطرح کرد که به نظر او عامل اخلاقی درونی را نشان می دهد که توسعه آن اساساً به رفتار رضایت بخش والدین و فرزند بستگی دارد.

شکل گیری ابرخود به هنجارها و ارزش های اخلاقی آموخته شده توسط فروید از والدین و مراقبان او بستگی دارد. در این پارادایم، خود قسمت خودآگاه شخصیت را نشان می دهد که به دنبال توازن دو نیروی متعارض بالاست. رفتار به تعامل سیستم انرژی روانی وابسته است و هر اختلال در این سیستم می تواند به توسعه ناسازگاری منجر به هنجار شود. (Roger Hopkins, 2006:78-79) بنابراین، فروید دو علت رفتار منحرفانه را مطرح می کند:

۱- ساختار و عملکرد نامناسب ابرخود که نقصان در روابط والدین و فرزند ناشی می شود و در نتیجه فرد در کنترل انگیزش ناگهانی نهاد ناتوان می ماند و

۲- تمایلات ناخودآگاه سرکوب شده که از ناتوانی در بروز روابط عاطفی قوی با انسان دیگر و غالباً والدین ناشی می شود.

آگوست ایچپهورن روان شناس پرآوزه دیگری است که بیان داشته برخی گرایش های اساسی موسوم به انحراف پنهان وجود دارند که سبب رفتار جنایی بعدی می شوند. شکست در پایه ریزی روان شناختی گرایش ضداجتماعی اولیه را تشدید می کند (انحراف پنهان) که از بدو تولد همراه هر کودکی است و در نتیجه موجب رفتار منحرفانه می شود. سایر نظریه های روان شناختی ناتوانی در به تعویق انداختن خشنودی ناگهانی به منظور نیل به منافع طولانی مدت، عامل کلیدی در رفتار جنایی است. (Roger Hopkins, Burke, 2006, p, 79)

هک کردن یک رفتار شرطی شده

اسکینز استدلال کرده که رفتار بشر با پیامدهای محیطی تعریف می شود که برایش پدید می آید. رفتاری که به طور متناوب نتایج متعدد سودمند و مطلوب ایجاد می کند؛ و تقویت

رفتار مذکور نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، رفتاری که نتایج نامطلوب به بار می‌آورد، به علت مجازات، به متناوب کاهش می‌یابد. از این رو، این نوع رفتار در محیطی به وقوع می‌پیوندد که نتایج حاصل از آن یا تقویت و یا مجازات می‌شود. (tbid)

بنابراین، یک رفتار جنایی نتیجه بخش که به افزایش منزلت، پول یا احساس شایستگی منجر می‌شود، شخص را بیشتر در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد. اگر واکنش‌ها (به نتایج جرم) منفی باشد، مانند بازداشت یا تبعید، در نتیجه تکرار رفتار مجرمانه در آینده باید کاهش یابد. شرطی کردن عامل می‌تواند برای توضیح انحراف عمومی به کار رود، در مقابل تمرکز بر روی جرایم خاصی که کاربرد آن اساساً به دلیل تردید در تعیین سطوح پاداش‌ها یا مجازات‌های جرم خاصی محدود است.

ممکن است کیفرها بر جرم رایانه‌ای تأثیر کمی داشته باشند، زیرا هکرها یک ضد فرهنگ را تشکیل می‌دهند و در جهان گمنامی عمل می‌کنند که شانس دستگیری شان پایین است که در این سناریو، ممکن است کیفرها بیشتر برای بازداشتن از طریق رجز خوانی درباره دور کردن آنها (هکرها) به کار رود. ویل نیز استدلال می‌کند که مجازات‌ها به تنهایی بهترین الگوی تشکیل دهنده ترجیحی در زمینه جرم رایانه‌ای نیستند. به علاوه، هک‌هایی که دستگیر و بارها مجازات شده‌اند، درحالی که آشکارا تقویت نمی‌شوند، همچنان به این فعالیت می‌پردازند زیرا یک نوع اعتیاد است.

نظریه هانس آیسنیک: الگوی برون‌گرایی، روان‌پریشی‌گرایی و روان‌رنجور خویی

تمرکز این نظریه بر روی هر دو عامل اجتماعی و زیستی، بر شخصیت فرد است. مبنای این نظریه بر این دیدگاه استوار است که از طریق وراثت، بعضی افراد با توانایی‌های یادگیری خاصی به دنیا می‌آیند که به محرک‌های محیطی وابسته‌اند. این نظریه از دو بُعد شخصیت ناشی می‌شود: فعال و روان‌نژد که به طور مستمر وجود دارند بُعد فعال از سطح بالا (برونگرا) به سطح پایین (درونگرا) و بُعد روان‌نژد از بالا (روایی) به پایین (ثابت) دسته‌بندی می‌شود. بُعد چندگانه سومی هم وجود دارد که دیوانگی نامیده می‌شود که به دنبال سنجش صفاتی

مانند تهاجم، ترجیح تنهایی و عدم احساس نسبت به دیگران است. (Roger Hopkins, 2006, pp, 84-85) مطابق این نظریه، کودکان یاد می‌گیرند با پایه ریزی وجدان رفتار ضد اجتماعی را کنترل کنند که مجموعه‌ای از پاسخ‌های عاطفی شرطی شده به محرک محیطی مرتبط با رفتار ضد اجتماعی مانند اعمال مجازات از سوی والدین برای برخی اعمال ضد اجتماعی است. شرطی شدن کودک را اجتماعی می‌کند. اما ذاتاً به طور مکمل با پارامترهای برون‌گرایی، روان‌پریشی‌گرایی و روان‌رنجور خوبی در خصوص شخصیت فرد مرتبط نمی‌شود. امتیازهای فعالیت بالا و روان‌نژندی بالا، شرطی‌پذیری و اجتماعی شدن ضعیف را نشان می‌دهند که موجب گرایش به رفتار جزایی می‌شوند. (۱۹۶۸:۷۵-۸۰) Suthertard and Gressey,

نظریه فراگیری اجتماعی آلبرت باتدورا

این نظریه بیان می‌دارد که هر دو انحرافی و هنجاری بشر از طریق آمیختن رفتار مشاهده شده، ارتباط با دیگران رویارویی با فصل نظم دهنده و الگوسازی شناختی آموخته می‌شوند (Mcahister & Baridura, 2006: 141-142-147) فراگیری در سطح شناختی، در خانواده، خرده فرهنگ‌ها و محیط جامعه و از طریق مشاهده‌ای که در اثر آن مردم خودشان را در وضعیت‌های مشابه یا پیامدهای مشابه تصور می‌کنند، اتفاف می‌افتد. ممکن است رفتار فراگرفته شده تشویق یا مجازات شود. در این رابطه، باندورا بر چندین مفهوم اساسی نظریه شرطی کردن عامل، مانند: تشویق، مجازات و انگیزه صحه گذاشته است او سه جنبه انگیزه را بر شمرده است که عبارتند از: مشوق خارجی، مشوق جایگزین و خود تشویقی.

مشوق خارجی مشابه مفهوم مورد نظر اسکینز از مشوق است. مشوق جایگزین از مشاهده رفتار سایرین نشأت می‌گیرد، خواه تشویق شود خواه مجازات، خود تشویقی به حس فرد از سربلندی یا خودشناسی یا انتظار از خود در مورد معیارهای رفتار است. رفتار مجرمانه از طریق یک برنامه پیچیده تشویق و مجازات در طول زندگی فرد حفظ می‌شود. اگر رفتار مجرمانه در گذشته تقویت شده باشد انتظار می‌رود در آینده نیز تقویت شود. این نظریه ابتدا برای درک

رفتار متجاوز و جرایم خشونت بار، مانند تهاجم‌ها یا سرقت مسلحانه به کار رفت. این نظریه می‌تواند به طور موفقیت آمیز برای فهم رفتار هک کردن به کار رود. این نظریه بیان می‌دارد که رفتار مجرمانه از طریق فراگیری مشاهده‌ای و تقویت رفتار ناشی از منابع خارجی و داخلی کسب می‌شود. همانطور که پیشتر بیان شده، هک کردن رفتاری است که ظاهراً تقلید و الگو پردازی نقش مهمی بازی می‌کند. این رفتار با خود فرهنگ‌هایی پیوند دارد که تبعیت از کد اخلاقی مختص خودش را تقویت می‌کند.

در مورد فعالیت رایانه‌ای گروه هم سالان یا محفل‌های اجتماعی که بر رفتار منحرف همکرها تأثیر می‌گذارند، مجازی هستند. هک کردن یک موضوع تجربی است. چنانکه شامل آگاهی بهم مرتبط از شاهراه‌های اطلاعات مجازی و کارکردشان می‌شود که نمی‌تواند به یک حوزه فردی منحصر شود. فرهنگ رایانه‌ای عصر جدید، ماهیت روابط فیزیکی را تغییر داده و برهم کنش‌های مجازی به مرزهای محل‌های فیزیکی محدود نیست. بنابراین، هکرها مهارتشان رابه وسیله اطلاعاتی که اساساً در گپ‌های نوبتی اینترنتی و گردهمایی‌های خاص مبادل می‌شوند. فرا می‌گیرند (و ارتقا می‌بخشند) سیتیا فیچ بیان می‌دارد که حضور طولانی مدت گروه‌های هکری، مانند کلوپ آئین گاو مرده و لوف برای چندین دهه و پیوند نزدیک فرهنگ کاری نشان می‌دهد رابطه شخصی بیشتری میان هکرهای زنده برقرار است. وجود خرده فرهنگ‌های هکری، کارکرد نظریه یادگیری اجتماعی را توجیه می‌کنند. همچنین یادگیری اجتماعی باندورا نیز به خوبی سرقت موسیقی از طریق شبکه‌های نظیر به نظیر را تبیین می‌کند.

نظریه خنثی سازی و هک کردن

دیوید ماتزا و گریشام سایکز در نظریه خنثی سازی به فرایند بدل شدن جرم به یک تجربه آموزشی توجه کرده‌اند. (Larry, Seigel, 2003, p, 232) این دو استدلال می‌کنند که تمام مجرمان ارزش‌های مرسوم و گرایش‌هایی مانند افراد عادی دارند، اما چیزی که آنها را از دیگران متمایز می‌کند. توانایی غیر عادی آنها در حرکت از زندگی عادی سه ایجاد ارزش‌های

پنهای موازی از طریق فنون ختنی سازی ویژه مانند انکار مسوولیت ، آسیب و قربانی است. این اقدام به مجرمان کمک می کند تا وجدان اخلاقی خویش را پاک کند و احساس گناه نکنند. اسپافورد سه توجیه اخلاقی را برای هک فهرست کرده است : بهبود امنیت با کشف حوزه های نفوذ ، کسب آگاهی توسط دانشجویان و حمایت از جامعه در برابر شرکت ها از طریق تضمین دسترسی رایگان به اطلاعات گروه های همتا، با افراط در تشویق سوء استفاده های هکری افراد و ایجاد این گمان که این فعالیت ها توجیه شده اند . در این رهایی اخلاقی شرکت می کنند. راجرز گزارش داده که :

خودسانسوری می تواند موجب رهایی یا ضعف از طریق تهی شدن قربانی از صفات آسانی یا تبدیل شرمندگی به قربانی شود... شرمندگی ناشی از قربانی شدن با برخی شرایط به مرتکبان اجازه می دهد خودشان را قربانیان تحریک شده ببینند. اکنون اعمال مرتکبان به عنوان یک حالت تدافعی تعبیر می شود. قربانیان شرمنده وبه دلیل ارتکاب افعال مجرمانه علیه خودشان متهم می شوند.(Rogers,2001:40)

هکرها فروشندگان نرم افزار رابه دلیل محدود کردن دسترسی به جریان آزاد اطلاعات سرزنش می کنند و بنابراین ، از نظر اخلاقی فعالیتشان را به عنوان یک عمل سودمند و به منظور تضمین اطلاعات برای همه توجیه می کنند و خود را سلحشوری که به بینوایان کمک می کند. نشان می دهند . این رفتار سندروم محبوب رابین هود را نشان می دهد که افراد قضاوت اخلاقی شان را ختنی می کنند. (Harriagion , 2002,179).

هک کردن به عنوان سرگرمی

پروفسور جک کاتر در اثر انقلابی خود به عنوان محرک های جرم محدودیت های عادی اجتماعی را که در شکل گیری نظریه های یادگیری و روان شناختی برای ترسیم جرم به عنوان میوه ممنوعه بکار رفتند ، کنار گذاشت. کاتر استدلال می کند که مرتکبان فعالیت های مجرمانه در واقع به طور گسترده می کوشند تا محیط های اجتماعی خود را بالا ببرند و هرچند این اعتلا ممکن است حالت گذارا داشته باشد. ولی محرکی قوی برای عمل شیطان است .

(Hagan, 1990:165) نمونه درخشان در کار یک هکر مشهور کوین میتینک به ظهور رسد که اکنون بنیان‌گذار شرکت امنیتی میتینک است. گرابسکی محرک هک کردن را از دیدگاه این هکر چنین توصیف می‌کند: «عمل مقتدرانه‌ای که از خود خشنود می‌شوند» و با ماجراجویی برای کشف مجهول‌ها از همه سو هجوم می‌آورد. فوستر یک دلیل بی‌پایه را از مرتکبان جرم رایانه‌ای ارائه می‌کند و می‌گوید نوع مرتکبان جرایم رایانه‌ای تقریباً همیشه مردان و سنشان بین زیر تا اواسط ۲۰ سالگی است و مهارت اجتماعی ندارند و عاشق فناوری‌اند و در زمینه‌های دیگر (مانند آموزش) موفقیت کمتری دارند و به رایانه به عنوان وسیله مهم یا قدرتمند می‌نگرند. همچنین او دلایلی را ارائه می‌دهد که این مجرمان عموماً بطور غیر عادی چهره‌ای فرخناک، مشتاق، پرائگیزه، جسور، ماجراجو و تخصصی دارند که می‌خواهند پذیرای چالشی فنی باشند.

لیزون و کوینی استدلال می‌کنند که مسایل اقتصادی ناشی از شهرت هک کردن یک واقعیت است و به عنوان یک بازار عمل می‌کند یک طرف آن، تولیدکنندگان هک‌ها هستند که در جستجوی شهرتند. هنگامی که هکرها در جامعه هکری بهتر شناخته می‌شوند، تمایل دارند میزان بیشتری از هک کردن را عرضه کنند، لذا اعمال آشکاری رابه عنوان نیروی پیش‌برنده مرتکب می‌شوند، یک مطالعه تجربی مبتنی بر اطلاعات که توسط اورلی تروگمن گلداشمیت صورت گرفت. جاذبه‌های مثبت هک کردن از طریق محاسبات خود هکرها را نشان می‌دهد. وی نتیجه می‌گیرد که هکرها در خلاء زندگی نمی‌کنند و هک کردن را معادل بازی می‌دانند. بعد از تحلیل اولیه از محاسبات انگیزه هکری این خانم یادآور می‌شود:

به این ترتیب، از نظر هکرها، هک کردن شکل جدیدی از سرگرمی سرپایه ویژگی بازی گونه است که استفاده از فناوری دیجیتالی را توصیف می‌کند و شکل جدیدی از فعالیت اجتماعی است. هک کردن را می‌توان شکل جدیدی از سرگرمی دانست که قبل از گسترش یک فناوری مناسب نمی‌توانسته وجود داشته باشد.

گلداشمیت بر ارزش های فردی گرای، مانند انتخاب فردی، آزادی و خوشبختی تاکید و سپس استدلال می کند که هرکس به بخشی از تمدن غربی تبدیل شده اند و در جستجوی لذت، کمال و دانش اند. به نظر می رسد این مطالعه در مورد ویژگی های فرهنگی مبالغه می کند و دیدگاه کوتاه بینانه ای دارد که به تمدن غرب محدود شده است. با این حال نتیجه های برجسته زیر را محاسبه های او ارزش یادآوری را دارد.

۱- محاسبه اقتصادی :

محاسبه های گلداشمیت به عنوان یک قاعده بیشتر بر ایدئولوژی تمرکز دارد و انگیزه منفعت طلبانه حاشیه ای که آشکارا نتیجه فرعی آرزوی کسب پول است با جرایم سرقت نرم افزارهای ویژه، مانند نرم افزار تجاری حمایت شده، برای سوءطلبی مرتبط اند و اینگونه انگیزه های مالی پنهان نمی مانند.

۲- عامل بازدارنده :

احتمال دستگیری و تحمل مجازات خشن، به ویژه اگر بالا هم باشد می تواند به عنوان عوامل موثر بازدارنده عمل کند. با این حال وی دریافته که در مورد تمامی جرایم مرتبط با رایانه تمامی اجزای تشکیل دهنده آن پایین هستند و بنابراین می توان عامل بازدارندگی چشم پوشی کرد.

۳- نبود سبق تصمیم یا نیت زیان بار:

یکی از محاسبه های مورد توجه در میان هرکس این است که هیچ نوع سبق تصمیم یا صدمه ای ندارند که به آن فعلیت داده باشند. لذا وی نتیجه می گیرند که بسیاری از هرکس وانمود می کنند که از نظر اخلاقی توجه شده اند و خود را از داشتن نیت زیانبار مبرا می دانند.

۴- جرایم ناملموس :

جرایم نامرتبط با رایانه بخشی از بذرهای جدید جرایم ناملموس را تشکیل می دهند یعنی درک فیزیکی صدمه ای متحمل شده است زیرا اطلاعات الکترونیکی در سیستم های رایانه ای را می توان بدون برهم کنش فیزیکی دزدید این وضعیت بر احتمال سن بزه چیرگی دارد.

۵- کنجکاوی زیان بار و ارضای شهواتی:

محاسبه اعمال هکرها، کنجکاوی ارضای شهوانی آنها را نشان می‌دهد، یعنی شخص در اثر یک محرک ناشناخته، اسرار مطلوب یا مجرمانه برانگیخته می‌شود. این محاسبه اغلب برای جرایمی به کار می‌رود که متضمن مرورگری غیرمجاز در فایل‌های دیگری است و فرضیه‌های کاتز را تا حد زیادی توجیه می‌کند.

۶- انتقام:

یکی از معادیر مشترک برای جرایم نشر ویروس و صدمه به سیستم‌های رایانه‌ای است. همچنان که در ادامه خواهد آمد، انتقام توسط گانفردسون و هیرشی و در پرتو ناتوانی خودکنترلی در اوضاع و احوال محرک جرم تفسیر شده است.

۷- سهولت اجرا:

در حالی که هکرها با نبوغ، توانایی و کفایتشان متمایز می‌شوند، جنبه فرعی سهولت اجرای کاریک محاسبه توجیهی به شمار می‌آید و وحدت عملشان را نفی می‌کند. با این حال مطمئناً مزیت گمنامی دیجیتالی مجرم، فرصت‌های کشف جرم را کاهش می‌دهد. (Karyal, 2001:1003).

نظریه‌های جرم‌شناسانه بزه دیده محور

ساختار و ماهیت جرایم فضای مجازی و نیز اهمیت ویژه دیدگان این فضا در تحقق جرایم ارتكایی در آن، ضرورت پرداختن به بزه دیدگان فضای مجازی را در بررسی جرم‌شناختی فضای مجازی بیش از پیش آشکار می‌سازد از این رو در این فصل بزه دیدگان فضای مجازی و نظریه‌های مرتبط با نقش آنها در تحقق جرایم فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته است.

بزه دیدگان فضای مجازی

گسترش روز افزون حضور انسان‌ها در فضای مجازی که به تعبیری محیطی خارج از جوامع واقعی و فیزیکی است به نوبه خود منجر به شکل‌گیری جوامع مجازی شده است این جوامع که براساس ویژگی‌های خاص فضای مجازی به وجود آمده‌اند.

اندک جرم شناسانی که در حوزه جرایم مجازی فعالیت می کنند قائل بر این نظرند که تفاوت های فضای مجازی با فضای فیزیکی عامل موثر در شکل گیری جرایم این فضا و بالتبع بزه دیدگی در فضای مجازی می باشد. از جمله می توان به دیدگاهی که در قالب نظریه انتقال فضا مطرح شده، اشاره نمود. نظریه انتقال فضا تفسیری درباره ماهیت رفتار اشخاصی است که رفتار هنجار و ناهنجار خود را در فضای فیزیکی و مجازی نشان می دهد. (Jaishankar, 2007:7).

تعریف بزه دیدگی مجازی

عده ای معتقدند اصطلاح ویکتیم (Victim) از کلمه لاتین ویکتیما (Victima) به معنای موجود زنده ای که برای خدایان قربانی می شود مشتق و سپس در سال ۱۹۲۷ وارد فرهنگ فرانسه شده است. این اصطلاح در زبان فرانسه به معنای کسی است که فدای علایق و یا برنامه های دیگر می شود و در فرهنگ Victim کسی است که خود را فدای خوشبختی دیگری کرده در این راه متحمل ضرر و زیان می شود. (نجفی برند آبادی، ۱۳۸۵).

نظریه های تبیین کننده بزه دیدگی مجازی

فضای مجازی همچون فضای واقعی پذیرای عناصر مختلف جرم است و اجزای متشکله افعال مجرمانه در این دو فضا تا حدود زیادی با یکدیگر مشابهت دارند. نیاز به وجود بزهکار، بزه دیده و عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم از ضروریات غیر قابل انکار است که در جرایم مجازی نیز می بایست به آنها توجه نمود و این ارکان در این دسته از بزه ها نیز وجود دارند. اینکه بزه کاران فضای مجازی از به تعبیری قابلیت ها و به لسان دیگر ضعف های فضای مجازی به منظور ارتکاب اعمال مجرمانه خویش بهره می گیرند موضوعی است که بسیار در خصوص آن صحبت شده است، حال آنکه در خصوص این به اصطلاح کاستی های فضای مجازی که منجر به شکل گیری بزه دیدگی مجازی می شود، مطلب خاصی عنوان نشده است. این نقصان چه در حقوق داخلی ما و چه در منابع خارجی کاملاً مشهود است به نحوی که

در تبیین عوامل موثر در شکل‌گیری زمینه‌های بزه‌دیدگی مجازی هنوز اندیشه‌های محکمی ارائه نشده است. لکن این موارد بنابر آنچه که در ادامه عنوان خواهد شد همچنان محل ایراد هستند. درخصوص نقش بزه‌دیده و رفتارهای وی همانطور که برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند نارسایی‌های عمیق تحقیقات موجود (در حوزه حقوق کیفری مجازی) به گونه‌ای هستند که امکان آشکار ساختن این موضوع که چه نوع رفتار آنلاینی ممکن است احتمال بزه‌دیدگی را افزایش دهند فراهم نمی‌کنند. (cabarina,d,Marcum,2008)

نظریه سبک زندگی

لارنس کوهن و مارکوس فلسون در سال ۱۹۷۹ نظریه سبک زندگی روزمره بزه‌دیدگان را با الهام از دیدگاه‌های مطروحه در نظریه انتخاب‌خردگرا که با نام عمل‌خردگرا نیز مشهور است و چهارچوبی برای فهم و اغلب تقید و مدل‌سازی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی است. مطرح نمودند. که البته پاسخی به نرخ رشد جرایم در ایالات متحده آمریکا در خلال سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۴ بود.

این نظریه که از طرف دو جامعه‌شناسی آمریکایی پیشنهاد شده است، گامی فراتر از توضیح فعلیت یافتن جنایت از طرف مولفه‌های (نارسایی موانع، محاسبه سودمندی یا تشخیص استراتژیک است. به این معنی که بزه‌دیدگان و سبک زندگی روزمره آنان توجه دارد کوهن و فلسون تعداد و طبیعت اعمال مجرمانه را به کمک امکاناتی که بزه‌دیدگان بالقوه از راه سبک زندگی خود برای تحقق بخشیدن در اختیارشان قرار می‌دهند، بیان می‌کنند. بدین نحو که در بادی امر یک فرض ابتدایی وجود دارد که به موجب آن تحقق جرائم مستلزم برخورد دو عامل در زمان و مکان است. بزهکاران بالقوه و آماج‌های حمایت نشده. عوامل معاصر که آماج‌ها را بیشتر اصابت پذیر می‌سازند و در نتیجه افزایش نرخ تبه‌کاری را توضیح خواهند داد عبارتند از: عوامل انزوای اشخاص، خالی ماندن منزل‌ها، هسته‌ای شدن خانواده، توسعه کار زنانه و .. به این ترتیب سبک زندگی روزمره بزه‌دیدگان بالقوه یا حقیقی برحسب این نظریه مبین فعالیت جنائی است. (نجفی برند آبادی، ۱۳۸۵)

ارکان نظریه سبک زندگی روزمره

۱- یک مجرم تحریک شده است، کسی که به اندازه کافی برای ارتکاب جرم برانگیخته شده باشد (Alban, 2004:33)

۲- هدف مناسب است که باید دارای ارزش، سکون، دید و دسترسی باشد (Mailler, 2006:83)

۳- فقدان محافظان توانا تا از تحقق جرم که در زمان فعالیت های روزمره مردم که هر روز نیز تکرار می شوند جلوگیری کنند (Coban, 1979:388).

شایان ذکر است که برای تحقق جرم می بایست انحرافی در مکان یا زمان یکی از سه رکن به وجود آید (Alban, 2004:33) چرا که در فرض عدم وجود انحراف جرم به تبع آن بزه دیدگی نیز به وقوع نخواهد پیوست، چرا که زمینه اصلی ارتکاب هر جرمی وقوع لغزش و انحراف است، که این مورد حسب دیدگاه های مطروحه در نظریه سبک فعالیت های روزمره که مبتنی بر عوامل خارجی و از جمله زمان و مکان است نیازمند انحراف در این دو خصیصه می باشد.

تطبیق نظریه سبک های زندگی با بزه دیدگان مجازی

پس از آشنایی با مبانی این نظریه به تحلیل انطباق آن با بزه دیدگان مجازی پرداخته می شود. از منظر دیدگاه مطروحه در نظریه اخیر، تنها یکی از سه رکت اصلی در تحقق بزه دیدگی مجازی نقش عمده بازی می کند و آن فقدان حفاظت است؛ چرا که دو رکن (مجرم تحریک شده و هدف مناسب) تنها عوامل وضعی هستند، بدین معنا که در فضای مجازی گروه های مجریان با انگیزه می توانند هدف های مناسبی را از کاربرانی که به اینترنت وصل می شوند پیدا کنند. و بدین خاطر است که فلسوف در نظریه سبک زندگی بیان می دارد که مناسب بودن هدف نشانگر چهار ضابطه است:

۱- ارزشمند بودن هدف جرم

۲- استیصال هدف جرم

۳-قابلیت رویت هدف جرم

۴-دسترسی به هدف جرم

که بررسی این چهار عنصر در فضای مجازی به خوبی این واقعیت را که مناسب بودن هدف در فضای مجازی امری مفروض است، به اثبات می‌رساند. به عنوان مثال هنگامی که کاربری به اینترنت متصل می‌شود، رایانه وی اطلاعاتی رابه فضای مجازی منتقل می‌کند که سبب جذب مجرمان مجازی می‌شود.

علاوه براین اگر مجرمان مجازی به اندازه کافی در رابطه با سیستم های رایانه ای توانمند باشد استیصال وبه تعبیری گیر افتادن بزه دیده اغلب امری بدیهی خواهد بود (yar, 2003) علاوه براین ، ویژگی‌های محیط مجازی در رابطه با قابل رویت بودن و نیز در دسترس بودن ، سبب شده است تا بزهکاران مجازی در هر نقطه ای از جهان امکان معین کردن و ارتکاب جرم نسبت به اهداف خود را داشته باشند . بنابراین و با توجه به این مطالب تنها رکنی که در این میان می‌تواند بر سطوح بزه دیدگی مجازی و میزان آن تاثیر بگذارد ، میزان حفاظت است، به دیگر سخن عامل اصلی در بزه دیدگی مجازی از منظر نظریه سبک زندگی میزان حفاظت در فضای مجازی است. بنابر این نظریه فعالیت های روزمره راهکار عملی ای را ارائه می‌کند که به وسیله آن پیشگیری و وضعی از جرایم مجازی با تکیه بر تغییر شرایط و اوضاع و احوال میسر خواهد بود که در واقع خود بخشی از نظریه های مطرح شده در رابطه با پیشگیری وضعی از جرایم مجازی است. در واقع بر مبنای نظریه فعالیت های روزمره بهترین روش بازدارندگی از بزه دیدگی مجازی دشوار نمودن دسترسی به هدف یا همان بزه دیده است؛ چرا که امکان آموزش بزه دیده در راستای مقابله با بزهکاران مجازی به صورت حرفه ای بسیار دشوار است و تنها می‌توان به آموزش های ابتدایی بسنده نمود و حال آنکه در صورت جمع کردن حالت های مختلف اعم از آموزش افراد، اعمال تدابیر پیشگیرانه، نظارت بر کار فعالان حوزه مجازی و ... می‌توان دسترسی به هدف یا همان بزه دیده را دشوار نمود و از این طریق از بزه دیدگی مجازی پیشگیری نمود. ازجمله این امور به کارگیری سیستم های امنیتی مناسب و به روز است ، که این روش ارتکاب جرم در فضای مجازی را بسیار مشکل می‌سازد و از

طریق بزه دیدگی مجازی نیز به طور چشمگیری کاهش می یابد؛ البته به علت محدودیت عملکرد نیروهای کنترل اجتماعی رسمی در فضای مجازی تکیه بر روش های تدافعی فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است که همانا به کارگیری تجهیزات کافی جهت افزایش امنیت سیستم های مجازی گامی موثر در جهت کاهش فرصت های مجرمانه در فضای مجازی است. البته نظریه سبک زندگی روزمره از بعد دیگری نیز قابل بررسی است و آن اینکه تفاوت افراد در رفتارهای روزمره سبب تفاوت سطح خطر پذیری بزه دیدگی آنان می شود در این میان پیش بینی سطح در دسترس بودن هدف از طریق اندازه گیری عوامل خطر پذیری که به صورت بالقوه به بزه دیدگی مجازی کمک می کنند، می تواند راهگشای بحث باشد؛ بدین معنا که میزان و نوع عملکرد کاربران در امکان بزه دیدگی آن کاملاً موثر است به گونه ای که در این فرض کاربران آنلاین و خصوصاً کسانی که علاقمند به مشاهده سایت های ناشناس، دانلود آهنگ ها، فیلم ها و یا برنامه های نرم افزاری رایگان هستند و یا بر روی آیکن ها و تبلیغات اینترنتی بدون اندیشه و احتیاط کلیک می کنند و ... به احتمال زیاد قربانی مجرمان مجازی می شوند.

به عبارت دیگر میزان فعالیت های شغلی و تفریحی آنلاین سبب افزایش یا کاهش فرصت های بزه دیدگی مجازی می شوند؛ و البته یافته های علمی بسیار موید این مطلب اند که عوامل موجود در سبک زندگی نقش مهمی در بزه دیدگی افراد در جهان واقعی بازی می کنند و از اینرو بنابر نظریه سبک های زندگی روزمره نوع فعالیت های روزمره تاثیر مستقیمی بر برآیند بزه دیدگی در فضای مجازی دارند. این در حالی است که هیتدلانگ بیان می دارد که فعالیت های شغلی و تفریحی اجزاء بسیار تعیین کننده ای در سبک زندگی هستند و تاثیر مستقیمی بر سطح بزه دیدگی دارند. در همین استدلال شده است که کسانی که درگیر سبک های زندگی مجرمانه شده اند، اغلب به هدفی مناسب برای بزهکاران بدل می شوند، چرا که ایشان تمایلی در به حرکت درآوردن نظام حقوقی از خود نشان نمی دهند.

به این خاطر که در اندیشه های مجرمانه خویش غرق شده و گمان می کنند که خود بر فعالیت های مجرمانه تسلط هستند و هیچ گاه دچار بزه دیدگی نمی شوند و در واقع این

اندیشه را می‌توان با دیدگاه‌های مطروحه در خصوص تفکر فرضیه ساز که در نوجوانان وجود دارد مقایسه نمود؛ در این تفکر فرد نوجوان خود را از آسیب‌هایی که ممکن است از اعمال و رفتارهایش به وی وارد شوند مصون می‌بینند و از همین رو اقدام به انجام برخی فعالیت‌های پرخطر می‌کند.

موارد حائز اهمیت در بزه‌دیدگی مجازی

سطح دانش زندگی در فضای مجازی

همان‌طور که به‌طور کلی نیز در بخش‌های پیشین مورد اشاره قرار گرفت سطح دانایی افراد از علوم مجازی در بزه‌دیدگی و بزه‌کاری آنان موثر است و این امری است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت، چرا که جرایم مجازی در زمره جرایم فنی هستند و نیازمند سطحی از دانش و آگاهی می‌باشند در این بین میزان اطلاعات افراد نسبت به رایانه و فضای مجازی بر بزه‌دیدگی، نوع و شدت آن تأثیر گذار است. بنابر آمارهایی که از مطالعات میدانی در این خصوص بدست آمده است، سه گروه عمده برای کاربران فضای مجازی قابل‌تصورند:

- ۱- **کاربران عادی**: گروهی که از اینترنت و نرم‌افزارهای عمومی بهره می‌گیرند اما نمی‌توانند ایرادات رایانه خود را برطرف نمایند.
- ۲- **کاربران نیمه حرفه‌ای**: گروهی که از اغلب نرم‌افزارها استفاده می‌کنند و برخی از ایرادات رایانه خود را برطرف می‌نمایند.
- ۳- **کاربران حرفه‌ای**: گروهی که از لینوکس و اغلب نرم‌افزارها استفاده می‌کنند و غالب ایرادات رایانه خود را برطرف می‌سازند. البته ایشان گروه چهارمی را نیز مورد اشاره قرار داده‌اند که تعداد آنها بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است و آنها کسانی هستند که از رایانه جز در مواردی که مجبور باشند استفاده نمی‌کنند.

نوع و کیفیت ابزارهای مورد استفاده

شاید این مورد تا حدودی ناملموس به نظر برسد، اما در واقع، یکی از علل موثر در تحقق و نیز پیشگیری از بزه دیدگی مجازی است. نوع و کیفیت ابزارهای مورد استفاده در واقع ارتباط مستقیم با نوع استفاده کاربر از فضای مجازی دارد. چرا که استفاده از سیستم های با قدرت بالاتر و سرعت بیشتر خود به عاملی در راستای افزایش بزه دیدگی افراد بدل خواهد شد. در نظر بگیریید فردی از اینترنت با سرعت پایین استفاده می کند و فرد دیگر از اینترنت پرسرعت بهره می گیرد آیا تفاوتی میان این دو فرد در نوع استفاده آنها از فضای مجازی وجود دارد؟ در مورد شخصی که از اینترنت کم سرعت استفاده می کند امکان انجام برخی از کارهای پرخطر و از جمله مراجعه به سایت های پروتوگرافی با بار ترافیکی بالا و یا دانلود فایل های موسیقی، فیلم و سایر داده های حجیم، میسر نیست و لذا به طور قهری فرد از ارتکاب این اعمال پرخطر باز می ماند.

این در حالی است که در افرادی که از اینترنت پرسرعت بهره می گیرند، این محدودیت خارج از اراده وجود ندارد و این دسته افراد بیشتر در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. اما باید توجه داشت که این امر نباید منجر به محرومیت افراد از دسترسی به اینترنت پرسرعت شود چرا که این مورد یکی از عوامل مورد نیاز جهت دستیابی به اخبار و اطلاعات است.

جنسیت

همان طور که در جرایم فضای واقعی نیز مشاهده می شود جنسیت افراد نقش تعیین کننده ای در بزه دیدگی آنها دارد چرا که با توجه به شیوه های زندگی زنان و مردان و تفاوت های شخصیتی آنان و نیز تنوع جرایم در مواردی زنان گزینه های بهتری برای مجرمین هستند این قاعده در جرایم فضای مجازی و بزه دیدگی مجازی نیز به چشم می خورد به عنوان مثال در بزه تعقیب ایدایی در فضای مجازی که برخلاف ایده در فضای واقعی نیازمند ارتباط فیزیکی با بزه دیده نیست، اما در هر دو صورت سبب ایجاد ترس و نگرانی در قربانی که عموماً زن هستند می شود.

سن و اشتغال

برخی از حقوقدانان بر این باورند که سن و شاغل بودن افراد بر احتمال بزه دیدگی آنان در فضای مجازی موثر است. به گونه‌ای که این دو فاکتور رادر زمره علل تاثیر گذار بر بزه دیدگی مجازی بر شمرده اند. در تحقیقات به عمل آمده دراین زمینه به این دسته بندی رسیده اند که افراد را برحسب سن آنها به چهار گروه اصلی تقسیم کنند:

۱- افراد تا ۱۹ سال

۲- افراد تا ۲۱ تا ۲۰

۳- افراد ۲۵ تا ۲۲

۴- افراد ۲۶ سال به بالا

میزان و نوع بزه دیدگی در هر یک از این گروه ها متفاوت است و در برخی اهمیت بزه‌دیدگی و آثار آن بیش از سایر گروه ها است، که می توان از آن به گروه خطر یاد نمود. این گروه افراد کمتر از ۱۹سال را در برمی گیرد که با توجه به ضعف اندیشه و قرار گرفتن در دوران گذار از مرحله نوجوانی به جوانی و نیز حضور در یک بازه زمانی حساس که در آنها اندیشه های ماجراجویانه ای را برانگیخته است بیشتر در معرض خطر هستند.

در رابطه با اشتغال افراد می توان سه دسته را مدنظر قرار داد؛ تمام وقت، پاره وقت و بیکاری، که هر یک ویژگی های خاص خود را دارند و به نظر می رسد افرادی که دارای مشاغل تمام وقت هستند کمتر در معرض بزه دیدگی مجازی قرار می گیرند، چرا که تمرکز آنها بر کارشان و مشغله فکری ناشی از آن مانع عملکرد بی هدف آنها در فضای مجازی می شود و از اینرو احتمال قربانی شدن آنها کمتر است. در خصوص افراد پاره وقت نیز همین دیدگاه را می توان مطرح نمود با این تفاوت که اوقات فراغت آنها از گروه اول بیشتر است و امکان حضور بی هدف که زمینه ساز قربانی شدن افراد در فضای مجازی را تا حدود زیادی فراهم می کند و برای آنان بیشتر است، اما گروه سوم که افراد بیکار می باشند و به علت فقدان شغل به دنبال راهی برای پر کردن زمان بلا استفاده خود هستند ناگزیر بخش اعظم قربانیان را تشکیل می دهند چرا که این افراد بی هیچ انگیزه اینترنت منطقی ای در فضای مجازی به

گشت و گذار می پردازد و درپاره ای موارد به دنبال مشاغلی برای خود هستند و به سرعت با پیشنهادات اغوا کننده موجود در فضای مجازی گمراه می شوند و به نوعی در دام بزهکاران مجازی می افتد.

نتیجه گیری

هرگز نمی توان یک نظریه «جامع تمامی دلایل» برای جرم های نامرسوم جدیدی مانند هک ارائه کرد. دورنمای نوپدید حقوقی فضای مجازی به آسانی دیده نمی شود، لذا برای درک تغییرات آن لازم است «به سطحی فراتر از حقوق نگرینست» تا «بسیار بیشتر از آنچه از دیدمان پنهان است» را بشناسیم. این عناصر نهفته می توانند در ساختارسازی قوانین مشارکت کنند و با ارائه پیوندهای سیاست گذاری نادیده انگاشته شده، بر کارایی شان بیفزایند.

با این تفاسیر باید اذعان داشت که ما در عصری زندگی می کنیم که در آن عدم اطمینان مطلق اخلاقی جریان دارد و هیچ اجماعی درباره خوب یا بد و معیارهای داوری در خصوص رفتار هر کدام از این گروه ها وجود ندارد. نبود کنترل های درونی به صورت معیارهای اخلاقی، ارتکاب آن را تسهیل می کند. بنابراین، یک راهبرد جایگزین پیشنهادی می تواند شامل آموزش اخلاقیات رایانه درمقاطع نخستین مدرسه شود تا اذهان نوجوانان را شرطی کند. آموزش فعال توسط مراجع ذی صلاح باعث می شود قابلیت های افراد «متمایز» شود و راه به منظور هموار کردن رفتار پاسخگو باز می شود.

به طور کلی، به علوم رفتاری نیاز است تا با دقت بیشتری به روی انحرافات اجتماعی تمرکز کرده و با گزاره های معتبر تجربی از انگیزه های بروز این رفتارها پرده برداشت. موضوعی که نظریه های جرم شناسی سنتی هرگز نمی توانند آن را تبیین کنند و بنابراین، علوم مذکور باید به سوی افزایش کارایی رژیم حقوقی موجود گام بردارند.

فضای مجازی محیطی پیچیده و متشکل از فرصت های مجرمانه بالقوه است. این فرصت ها ناشی از ساختار خاص و منحصر به فرد این فضا است که زمینه های جنایی بسیاری را برای کاربران آن ایجاد نموده است. از سویی همین ساختار گمراه کننده که در ظاهر ساده و بی

آلایش و در باطن پیچیده و گمراه کننده است سبب وقوع جرایم بسیاری شده که تا پیش از آن امکان به این سادگی امکان تحقق نداشته اند.

در حال حاضر اینترنت ابزاری مناسب در جهت توسعه افکار و اندیشه های بشری محسوب می شود به شرط آنکه در راه صحیح استفاده شود. افراد باید جهت ورود به دنیای مجازی آگاهی و اطلاعات کافی داشته باشند تا دچار مشکلات مالی و روحی و روانی و اجتماعی نشوند. ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری جوانان به خصوص خانواده ها نسبت به تهدیدات فضای مجازی در درجه نخست اولویت قرار دارد. پیشگیری از آسیب های اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم هست و برای جلوگیری از هم پاشیدگی خانواده ها، والدین باید تا حدودی به فناوری روز دنیا مسلط باشند و آگاه باشند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آنها است و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آنها به صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می شود. لذا چنانچه خانواده نسبت شیوه های جدید ارتباط فرزندان خود آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند از انجام بسیاری از جرایم و ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل می آید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

منابع فارسی:

- ۱- ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۲- ابراهیمی کولانی، وحید، آیلاز صیاد سامه، حسام جلیلی، حمید د آران، نقش فضای مجازی در انحرافات اجتماعی، کنفرانس بین المللی روانشناسی علوم تربیتی و سبک زندگی، دوره ۲، ۱۳۹۴.
- ۳- زررخ، احسان، جرم شناسی فضای مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۸۹.

- ۴- زررخ، احسان، بزه دیده شناسی سایبری، فصلنامه مجلسی و پژوه، ش سال ۵۱، شماره ۶، ۱۳۹۰.
- ۵- شربتیان، محمد حسن، احمد بخارایی، پیامدهای اجتماعی آسیب شناختی اینترنتی، مجله پیامدهای اجتماعی آسیب شناختی اینترنت، سال هشتم، شماره هفتاد و نه، ۱۳۹۳.
- ۶- شعاع کاظمی، مهرانگیز، مهرانگیز مهرآور، جاوید مؤمنی، آسیب های اجتماعی نوپدید با تاکید بر تئوری های زیربنایی و راهکارهای مقابله ای، تهران، آوای نور، ۱۳۹۱.
- ۷- وثوقی، منصور؛ احسان رحمان خلیلی، رابطه رسانه های جمعی و سرمایه اجتماعی در کلان شهر تهران، مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، ۱۳۹۳.
- ۸- یزد خواستی، بهجت؛ صمد عدلی پور؛ الهام کیخانی، حوزه عمومی و گفت و گو در فضای مجازی شبکه های اجتماعی بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر گفت و گوی میان فرهنگ ها. مطالعات فرهنگی ارتباطات. سال چهارم، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- 9- John Hagan, "The Pleasures of Predation and Disrepute", *Law & Soc'y Rev* ۱۶. (1990).
- 10- k. Jaishankar, Establishing a theory of cyber crimes, *International journal of cyber criminology*, Vol 1, No.2
- 11- Majid Yar. (2005). The novelty of cybercrime': An assessment in light of routine activity theory. *European Journal of Criminology*.